

Permanent membership of the Islamic Republic of Iran in the Shanghai Cooperation Organization and its geopolitical, military, political and economic consequences on the balance of power with the United States of America

Seyed Yahya Safavi, Professor of Political Geography, Imam Hossein University, Tehran, Iran

Mohammad Mehdi Jafari Noor, PhD student in Military Strategic Management, Tehran, Supreme National Defense University

Received: 2021/12/11

Acceptance: 2022/04/03

Abstract

In the international system, which is anarchic in nature due to Kenneth Waltz's theory and its actors tend to impose will on other actors according to their Hobbesian nature, balance of power has always been a practical way to create public security in the world. In the meantime, weaker countries are motivated to avoid regional hegemony by forming regional and international coalitions to withstand the threats of powerful global actors by forming a higher power that is the product of the convergence of smaller powers.

From the beginning of the victory of the Revolution, the Islamic Republic of Iran confronted the bipolar system of that time with the strategic slogan of "neither East nor West". However, events such as the capture of the US embassy in Tehran, the Iraqi war against Iran, etc., deepened Iran's conflict with the United States. The Islamic Republic has sought to join one of the strongest regional coalitions to counter the US hegemony.

The Shanghai Cooperation Organization, which includes two veto-wielding members of the UN Security Council, China and Russia, as well as India's economic power, is a viable option for the Islamic Republic of Iran. At the same time, the huge energy reserves (oil and gas) of its members and the geopolitical position of its members, as well as their nuclear and military capabilities, have given the organization the potential to counter the US hegemony.

By becoming a full member of the Shanghai Cooperation Organization in 2021, the Islamic Republic will be able to pursue its "Look East" policy in order to overcome Western economic sanctions, and by converging with its powerful members, China and Russia to have the upper hand in negotiations with European governments on Iran's nuclear case known as Joint Comprehensive Plan of Action (BARJAM).

The military confrontation of the Islamic Republic of Iran with the United States, which took place after the assassination of the commander of the Quds Force of Iran, General Soleimani, carried out by the direct order of the President of the United States and resulted in the Islamic Republic's serious response in a missile assault against the American military base in Iraq, with Iran's full membership in the Shanghai Cooperation Organization, now reached a new stage. US leaders now see Iran's accession to the Shanghai Cooperation Organization as a serious threat to their interests in the region and are seeking an alternative plan to thwart the Islamic Republic's alliance with the East.

Iran's full membership in this organization will have significant geopolitical, military, political and economic effects on the relations between the Islamic Republic of Iran and the United States. But the realization of these cases depends on the proper functioning of the diplomatic apparatus of the Islamic Republic

and regional and global developments in the future.

Iran must be able to solve its problems with the world system while joining the Shanghai Cooperation Organization. Iran's nuclear program and the problems caused by the FATF are serious obstacles to Iran's prominent role in the international system. At the same time, membership in other international organizations will help complete this process. Of course, the Islamic Republic of Iran is trying to join the Eurasian Union in order to achieve this goal and wants to use the economic capacity of this union to neutralize another part of the economic problems caused by Western sanctions.

The consequences of NATO's eastward expansion policy, which has led to many tensions in the region, including the Crimean and Ukrainian crises, should not be repeated elsewhere, including in the Persian Gulf. China and Russia also desperately need a strong asymmetric player like Iran to secure energy in the region and counter NATO's eastward expansion. Therefore, their serious support for Iran's full membership in the Shanghai Cooperation Organization indicates the strategic balance of the Shanghai Cooperation Organization with the hegemony of the Western world led by the United States of America.

The water crisis, which has plagued eastern Iran for years due to Afghanistan dam projects, and the long-stagnant water transfer program from Tajikistan to Iran, must be completed using Iran's full membership capacity.

The development of the tourism industry and the use of Iran's potential capacity in this industry is another economic goal of Iran to join the Shanghai Cooperation Organization, which should be pursued with the cooperation of other members and the rich tourism revenue gained by some countries in the region, including Turkey, will be to a large extent absorbed by Iran's tourism potential.

Keywords: Permanent Membership , Shanghai Cooperation Organization, Islamic Republic of Iran, Balance of Power, USA.

عضویت دائم جمهوری اسلامی ایران در سازمان همکاری شانگهای و پیامدهای ژئوپلیتیکی، نظامی، سیاسی و اقتصادی آن بر موازنه قوا با ایالات متحده آمریکا

مقاله پژوهشی

سید یحیی صفوی، استاد ژئوپلیتیک دانشگاه جامع امام حسین (ع)، تهران، ایران
محمد مهدی جعفری نورا، دانشجوی دکتری مدیریت راهبردی نظامی، دانشکده دفاع،
دانشگاه و پژوهشگاه عالی دفاع ملی، تهران، ایران

پذیرش: ۱۴۰۱/۰۱/۱۴

دریافت: ۱۴۰۰/۰۹/۲۰

صص: ۵۵-۸۱

چکیده

جمهوری اسلامی ایران برای ایجاد توازن قوا با ایالات متحده آمریکا، که از تمامی ابزارهای سیاسی و اقتصادی و نظامی برای به انقیاد درآوردن ایران استفاده نموده است، به ائتلاف با سازمان همکاری شانگهای روی آورده است. تلاش دارد تا با ترکیب ظرفیت‌های داخلی خود با توانمندی‌های موجود در این سازمان، علاوه بر حفظ جایگاه محوری خود در جبهه مقاومت و پافشاری بر اصول بنیادین انقلاب اسلامی، انزوای ناشی از تحریم‌های ظالمانه آمریکا و جهان غرب را در هم شکسته و به مراودات گسترده تجاری و سیاسی و فرهنگی با کشورهای جهان پردازد. در ضمن، در بازی جنگ با آمریکا و جهان غرب نیز دست برتر را داشته باشد. این پژوهش به این پرسش پاسخ می‌دهد که پیوستن ایران به سازمان همکاری شانگهای از ابعاد ژئوپلیتیکی، سیاسی، اقتصادی و نظامی چگونه می‌تواند در برقراری موازنه قوا با ایالات متحده تأثیرگذار باشد. پژوهش حاضر از نوع کاربردی توسعه‌ای و به‌روش

کتابخانه‌ای و تحلیل اسنادی، به مرحله اجرا درآمده است.
واژگان کلیدی: عضویت دائمی، سازمان همکاری شانگهای، جمهوری اسلامی ایران، موازنه قوا، ایالات متحده آمریکا.

مقدمه

جمهوری اسلامی ایران از همان ابتدای شکل‌گیری در زمستان ۱۳۵۷، با طرح شعار راهبردی «نه شرقی، نه غربی» به تقابل با رویکرد هژمونی‌گرایانه بلوک شرق و غرب پرداخت. هرچند که در ادامه مسیر، بنیان‌گذار انقلاب اسلامی با معرفی ایالات متحده آمریکا به‌عنوان «شیطان بزرگ»، کفه تقابل ایران با جهان غرب به رهبری ایالات متحده را سنگین‌تر نمود. تسخیر سفارت آمریکا در ایران، جنگ تحمیلی عراق علیه ایران، تحریم‌های پیاپی آمریکا و مجموعه‌ای از عوامل دیگر، به تعارض همه‌جانبه ایران و آمریکا انجامید که در طول چهار دهه اخیر، به اشکال مختلفی در فضای سیاسی دو کشور ظهور و بروز داشته است.

براساس نظریه توازن قوا^۱، دولت‌هایی که در معرض تهدید قدرت‌های برترند، برای پیوستن به ائتلاف‌های تدافعی انگیزه پیدا می‌کنند. برخی از واقع‌گرایان بر این عقیده هستند که این امر می‌تواند موجب ثبات بیشتری شود؛ چراکه از تجاوز جلوگیری می‌کند و آن را غیرجذاب نشان می‌دهد؛ البته اگر میان ائتلاف‌های رقیب تعادل قدرت برقرار باشد (Kegley & Wittkopf, 2005: 503).

پیوستن به سازمان همکاری شانگهای^۲ را می‌توان نمونه رویکرد همکاری متوازن منطقه‌ای در سیاست خارجی ایران دانست. در فرایند جهانی شدن و زمانی که آمریکا به‌عنوان قدرت نظامی برتر، یکه‌تازی می‌کند، ائتلاف‌های منطقه‌ای و بین‌المللی از راهکارهای مؤثر برای رویارویی با این روند به‌شمار می‌رود. بنابراین، رویکرد راهبردی ایران به سازمان همکاری شانگهای در جهت ایجاد توازن علیه غرب است (مصفا و دلاور، ۱۳۹۵)؛ چراکه تعداد زیادی از تحلیلگران غربی، سازمان همکاری شانگهای را بلوکی ضدغربی و ضدآمریکایی یا به‌عنوان ابزار ضدغربی دو کشور روسیه و چین برای دستیابی به موازنه متقابل با قدرت ایالات متحده آمریکا در منطقه آسیایاسیفیک در نظر می‌گیرند (Kumar, 2013).

1. Balance Of Power.
2. Shanghai Cooperation Organization.

ایران به مسئله همکاری‌هایش با همسایگان، کشورهای مسلمان و نیز کشورهای صاحب‌قدرتی همچون روسیه و چین و هند، از این زاویه نگریسته است تا سیاست مهار آمریکا علیه خود را بی‌اثر نماید. استفاده دیگری که ایران از اولویت‌دادن به همکاری منطقه‌ای در سیاست خارجی خود می‌برد، این است که در چهارچوب آن، ضرورت خروج ایالات متحده و ایفای نقش آن کشور در امور آسیای مرکزی را مطرح نماید (63: Rezaee&Salehi, 1389).

پذیرش عضویت ایران به‌عنوان عضو اصلی سازمان همکاری‌های شانگهای در سال ۲۰۲۱، این پرسش را در اذهان فعالان سیاست بین‌الملل برانگیخته است: این رویداد چه تأثیری بر موازنه قوا فی‌مابین جمهوری اسلامی ایران و ایالات متحده خواهد داشت؟ لذا این پژوهش در پی پاسخ به این پرسش است: پیامدهای ژئوپلیتیکی، سیاسی، اقتصادی و نظامی عضویت دائمی ایران در سازمان همکاری‌های شانگهای بر موازنه قوا با ایالات متحده آمریکا در سطح جهانی و بین‌المللی چیست؟ فرضیه این پژوهش بر این نکته دلالت دارد: ایران برای موازنه قوا با ایالات متحده، ناگزیر از پیوستن به یک ائتلاف قدرتمند بین‌المللی، نظیر سازمان همکاری‌های شانگهای است تا از این رهگذر، بتواند از ابعاد ژئوپلیتیکی، سیاسی، اقتصادی و نظامی بر ایالات متحده آمریکا تأثیرگذار بوده و دست برتر را در معادلات منطقه‌ای و بین‌المللی داشته باشد.

ادبیات تحقیق

سازمان همکاری‌های شانگهای

در ۲۶ آوریل سال ۱۹۹۶ و در شهر شانگهای چین، پنج کشور جمهوری فدراتیو روسیه، جمهوری خلق چین، جمهوری قزاقستان، جمهوری قرقیزستان و جمهوری تاجیکستان، با هدف تقویت اعتماد متقابل و خلع سلاح در مرزهای طولانی خود، تشکیلی به نام «شانگهای» را تأسیس کردند. البته پیش از آن و در سفر گورباچف، رئیس‌جمهور وقت اتحاد جماهیر شوروی، به چین در سال ۱۹۸۹، مذاکرات سطح بالایی در خصوص حل و فصل اختلافات مرزی آغاز شده بود؛ اما پس از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی، هرکدام از جمهوری‌ها این مذاکرات را به‌تنهایی پی گرفته بودند. دو موافقت‌نامه امضا شده از سوی سران پنج کشور قزاقستان، چین، قرقیزستان،

روسیه و تاجیکستان، به ترتیب در سال ۱۹۹۶ در شهر شانگهای و در سال ۱۹۹۷ در شهر مسکو، پیرامون اعتمادسازی در مناطق مرزی و خلاصه اسناد امضا شده در جریان نشست‌های آلماتی (۱۹۹۸)، بیشکک (۱۹۹۹) و دوشنبه (۲۰۰۰)، مقدمات جدی تقویت و گسترش تعاملات و همکاری‌های دیپلماتیک و منطقه‌ای این کشورها و زمینه‌ساز حقوقی شکل‌گیری سازمان همکاری شانگهای گردید.

سرانجام در پنجمین اجلاس سران در شهر شانگهای چین، در تاریخ ۲۵ خرداد ۱۳۸۰ (۱۵ ژوئن ۲۰۰۱)، کشورهای عضو شانگهای، جمهوری ازبکستان را نیز به عضویت پذیرفتند و با امضای بیانیه‌ای، تشکیل سازمان همکاری شانگهای را اعلام نمودند. یک سال بعد و در اجلاس سران در شهر پترزبورگ (ژوئن ۲۰۰۲)، ساختار سازمانی مورد توافق قرار گرفت و سند آن به امضا رسید. در آن سند، مباحث مربوط به تشکیلات حقوقی، سیاسی، اصول و اهداف سازمان مشخص گردید (Anvari, 1388:9).

همکاری‌های اعضای سازمان را در سه زمینه سیاسی، امنیتی، اقتصادی و اجتماعی می‌توان مورد بررسی قرار داد:

۱. همکاری در زمینه‌های سیاسی و امنیتی:

- اتخاذ مواضع مشترک در سیاست خارجی و اتخاذ سیاست‌های مشترک در مسائل منطقه‌ای و بین‌المللی؛

- اقدام مشترک در زمینه مبارزه با تروریسم و افراط‌گرایی و جدایی‌طلبی، مبارزه با قاچاق مواد مخدر، قاچاق سلاح و مهاجرت غیرقانونی؛

- همکاری در زمینه کنترل تسلیحات و خلع سلاح.

۲. همکاری در زمینه اقتصادی و بازرگانی و تجاری:

- تقویت و گسترش همکاری‌های اقتصادی و منطقه‌ای؛

- گسترش تجارت و سرمایه‌گذاری و ایجاد محیط مناسب برای رسیدن به جریان آزاد سرمایه و کالا و خدمات در کشورهای عضو؛

- برداشتن موانع در جهت گسترش و تقویت حمل‌ونقل جاده‌ای؛

- تبادل اطلاعات در زمینه‌های گوناگون؛

- مدیریت منابع آب در منطقه.

۳. همکاری در زمینه اجتماعی:

همکاری‌های آموزشی، ورزشی، بهداشتی، گسترش توریسم و تبادلات فرهنگی (Anvari, 1388:10).

در حال حاضر، سازمان همکاری شانگهای دارای ۹ عضو اصلی است که عبارت اند از: روسیه، چین، هند، پاکستان، ازبکستان، قرقیزستان، قزاقستان، تاجیکستان و جمهوری اسلامی ایران. کشورهای بلاروس، مغولستان و افغانستان نیز اعضای ناظر این سازمان هستند. دو زبان چینی و روسی زبان‌های رسمی سازمان است. عضویت دائمی^۱ ایران

ایران در سال ۲۰۰۵ به‌عنوان عضو ناظر به سازمان همکاری شانگهای پیوست و یک سال بعد، برای عضویت کامل در این سازمان درخواست داد. این درخواست بحث‌های زیادی را برانگیخت و سرانجام در اجلاس بیست و یکم سران در سال ۲۰۲۱، با عضویت کامل ایران موافقت شد.

موضوع عضویت کامل ایران در سازمان همکاری شانگهای، در واقع، نشئت گرفته از تفکر گروهی از سیاستمداران اصول‌گرای کشور است که سیاست همکاری با شرق را مورد توجه قرار داده و گسترش ارتباط را با روش‌های نظارت، به‌ویژه با بهره‌گیری از ابزار انرژی (نفت و گاز)، برای نزدیک شدن هرچه بیشتر به قدرت‌های منطقه‌ای، مانند چین و روسیه، مورد تأکید قرار می‌دهند (Yazdanpanah&Ezzati, 1386).

در سال ۲۰۱۰ آیین‌نامه اولیه‌ای در نشست سران در شهر تاشکند به تأیید سران رسید. یکی از شرایط اعطای عضویت کامل به کشور متقاضی «تحریم نبودن کشور متقاضی در شورای امنیت سازمان ملل» است. باید عنوان داشت که بانی اصلی این آیین‌نامه روسیه بوده است. با این شرط، ایران نمی‌توانست به عضویت دائم در شانگهای درآید. اما با روی کار آمدن دولت یازدهم در ج.ا. ایران که تغییراتی در روابط خارجی ایران، در جهت تنش‌زدایی با غرب، از جمله آمریکا که در زمینه به‌دست آوردن یک توافق جامع در خصوص چگونگی ادامه برنامه هسته‌ای ایران ایجاد شد، روسیه به‌طور آشکار حمایت خود را از عضویت دائم ایران اعلام داشت. این تغییر موضع روسیه در پذیرش عضویت ایران را می‌توان در راستای ایجاد موازنه علیه غرب دانست (Delavar&Mosaffa, 1395).

موازنه قوا

موازنه قدرت بر این اصل استوار است که امنیت بین‌المللی زمانی افزایش می‌یابد که قدرت نظامی به‌نحوی توزیع شده باشد که هیچ دولتی به اندازه‌ای که توانایی

1. full membership

فایده‌آمدن بر دیگر دولت‌ها را داشته باشد، قدرتمند نباشد. این نظریه پیش‌بینی می‌کند که اگر یک دولت، قدرت فوق‌العاده زیادی داشته باشد، از قدرتش استفاده و به کشورهای ضعیف حمله می‌کند. این امر موجب می‌شود دولت‌هایی که در معرض خطر هستند، برای پیوستن به ائتلاف‌های تدافعی انگیزه پیدا کنند. برخی از واقع‌گرایان بر این عقیده هستند که این امر می‌تواند موجب ثبات بیشتری شود؛ چراکه از تجاوز جلوگیری می‌کند و آن را غیرجذاب نشان می‌دهد؛ البته اگر میان ائتلاف‌های رقیب تعادل قدرت برقرار باشد (Kegley & Wittkopf, 2005: 503).

کنث والتز^۱ در کتاب مشهور خود با عنوان نظریه سیاست بین‌الملل^۲، بنیان‌های واقع‌گرایی ساختاری را بر نظریه موازنه قدرت بنا می‌کند. وی اظهار می‌کند که سیاست بین‌الملل در نظامی عمل می‌نماید که شاخص اصلی‌اش آنارشی بوده و قدرت، هدف نهایی محسوب می‌شود. هر کشوری در وضعیت طبیعی‌هابزی به‌سر می‌برد که در جریان رقابت برای بقا، تحت فشارهای فوق‌العاده‌ای قرار دارد. این فشارها موجب شکل‌گیری انواع متفاوتی از رفتارها در میان بازیگران می‌گردد؛ از یک طرف بازیگران نظام بین‌الملل را مجبور می‌سازد تا از رفتارهای موفق‌ترین بازیگران الگوبرداری نمایند که این امر منجر به ایجاد واحدهای یکسان و هم‌زیستی میان بازیگران می‌گردد و از طرف دیگر، افزایش سریع قدرت یک بازیگر باعث تحریک سایر بازیگران برای افزایش قدرت خود و در صورت عدم کفایت، موجب ایجاد اتحاد میان آن‌ها برای جلوگیری از ظهور هژمون بالقوه می‌گردد. زمانی که موازنه قدرت برقرار شد، جاه‌طلبی هژمونیک از بین می‌رود. بنابراین، در وضعیت آنارشیک نظام بین‌المللی، موازنه قدرت همچون دست نامرئی آدام اسمیت در بازار عمل می‌کند. (Azimi&Nazari&Sazmand, 1389).

براین اساس، سایر کشورها یا باید نسبت به افزایش قدرت خویش (ایجاد توازن درونی) اقدام نمایند یا با کشورهای دیگر ائتلاف نمایند (ایجاد توازن بیرونی) تا از خیزش قدرت سوم جلوگیری نموده و امنیت و بقای خود را تأمین نمایند. کنث والتز، یکی از بنیان‌گذاران واقع‌گرایی ساختاری، بر این اعتقاد است که در نظام بین‌المللی که آنارشی مشخصه اصلی و اساسی آن است، هیچ قدرت فراملی برای اجرای قوانین وجود ندارد: «رفتاری که کشورها از سوی نظام به آن واداشته می‌شوند، ایجاد توازن

1. Waltz, Kenneth N
2. eory of International Politics

است و نه دنباله‌روی» (Waltz, 1979: 125).

موازنه علیه قدرت تهدیدکننده به نظر می‌رسد راهبردی باشد که به صورت معمول با دولت‌ها دنبال می‌شود. دولت‌ها از راه ترکیب توانایی‌های داخلی خود و اتحاد با دیگران، می‌توانند موازنه را برقرار کنند. دنبال کردن یک راهبرد موازنه‌بخش، یک واکنش عقلانی برای زندگی در نظام اقتدارگریز است؛ چراکه اتحاد علیه یک دولت بزرگ، امکان توازن و برابری را افزایش می‌دهد و قدرت بزرگی در مقابل دولت سرکرده که ممکن است استقلال دولت‌های کوچک‌تر را تهدید کند، می‌تواند شکل بگیرد (Ibid).

پیشینه تحقیق

جعفری و بلباسی و شهرام در مقاله‌ای با عنوان «منافع ملی و عضویت ایران در سازمان همکاری شانگهای» در سال ۱۳۹۶، به این نتیجه رسیدند که عضویت ایران در سازمان همکاری شانگهای، فرصت‌ها و دستاوردهای زیادی در زمینه‌های اقتصادی، تجاری، سیاسی، امنیتی و فرهنگی داشته است و با توجه به پتانسیل و توانمندی‌های ایران، بر پیوند ایران و سازمان مذکور افزوده شده است.

مصفا و دلاور در مقاله خود در سال ۱۳۹۵، با عنوان «عضویت ایران در سازمان شانگهای؛ عاملی در موازنه نرم در روابط با آمریکا» این فرضیه را داشتند که سازمان همکاری شانگهای به عاملی برای ایجاد موازنه نرم توسط روسیه (با همکاری چین) علیه یک‌جانبه‌گرایی آمریکا تبدیل شده است. در این راستا، روسیه در رابطه با عضویت دائم ایران بازی دوگانه‌ای را دنبال می‌کند.

جمشیدی، مهکویی، گودرزی و مؤمنی در مقاله خود با عنوان «تأثیرپذیری ژئوپلیتیکی منافع ملی جمهوری اسلامی ایران از رقابت ناتو و سازمان همکاری شانگهای» در سال ۱۳۹۹، به این نکته پرداختند: از آنجاکه آسیای مرکزی دارای پیوستگی ژئوپلیتیکی با ایران است؛ لذا رقابت ناتو و شانگهای، منافع ملی ایران را متأثر از خود ساخته است که در این صورت، ایران را ملزم به اتخاذ یک راهبرد مناسب در قالب بازنگری و بازتعریف محیط امنیتی در راستای حفاظت از منافع ملی خود کرده است.

مقاله‌ای با عنوان «تحول اولویت‌ها در سازمان همکاری شانگهای، از زمان تأسیس

تا سال ۲۰۱۹» که توسط عطایی و زنگنه در سال ۱۳۹۹ نگاشته شده، قابلیت‌های این سازمان را از جنبه‌های اقتصادی و تأمین امنیت انرژی بررسی می‌کند و نشان می‌دهد که چگونه این پیمان منطقه‌ای محدود، به یک سازمان همکاری منطقه‌ای بزرگ تبدیل شده است. فرضیه نوشتار فوق این است که با وجود ظرفیت‌های بسیار، این سازمان به یک قطب اقتصادی و راهبردی جهانی تبدیل نخواهد شد. علاوه بر موارد فوق، مقالات «چشم‌انداز جایگاه سازمان همکاری شانگهای در ترتیبات امنیتی خاورمیانه» نوشته علی محمدی در سال ۱۳۹۷، «فرصت‌های امنیتی و سیاسی جمهوری اسلامی ایران از طریق عضویت در سازمان همکاری شانگهای براساس مدل سوات» نوشته اسلامی و جمشیدی و جمالی‌پور در سال ۱۳۹۷، «ازشایبی اثرات اقتصادی عضویت ایران در سازمان همکاری شانگهای؛ کاربردی از مدل شبیه‌سازی جهانی» نوشته مردی‌ها، آذربایجانی، طیبی و جعفری در سال ۱۳۹۹ و «کاربست نظریه فاکر ریتبرگر در فرایند شکل‌گیری سازمان‌های بین‌المللی؛ موردپژوهی سازمان همکاری شانگهای» نوشته رنجکش در سال ۱۳۹۷، هریک از زاویه‌ای به موضوع عضویت ایران به سازمان همکاری شانگهای پرداخته‌اند و ابعاد مختلف آن را با فرضیات علمی مورد بررسی قرار داده‌اند.

روش تحقیق

این پژوهش با بهره‌گیری از روش تحلیلی و تا حد مقدور تبیینی، سعی دارد تا به پرسش مطروحه و در راستای فرضیه پاسخ دقیق و علمی ارائه کند. پرداختن به این موضوع، مستلزم روش تحلیلی اسناد و داده‌های کتابخانه‌ای و تبیین عوامل مؤثر بر موازنه قوا بین جمهوری اسلامی ایران و ایالات متحده آمریکا است.

یافته‌های تحقیق

لزوم موازنه قوا با ایالات متحده آمریکا

دخالت و حضور ایالات متحده در مناطق مهم و راهبردی جهان، همچون آسیای مرکزی و قفقاز، در راستای هژمونی طلبی ایالات متحده در جهان انجام می‌گیرد. اولویت‌ها و محورهای سیاست خارجی ایالات متحده در این منطقه، عبارت‌اند از: ۱. جلوگیری از احیای قدرت روسیه؛ ۲. مهار اسلام‌گرایی و جلوگیری از رشد اسلام‌خواهی؛ ۳. مهار

ایران؛ ۴. منافع اقتصادی (موادخام و بازارهای مصرف منطقه)؛ ۵. اهداف و منافع نظامی؛ ۶. ارائه الگویی برای جمهوری‌های منطقه (2-46: 1382, Hatami).

اوج موضع‌گیری‌های ضدآمریکایی اعضای شانگهای را می‌توان در بیانیه پایانی اجلاس سران کشورهای عضو این سازمان در شانگهای در سال ۲۰۰۶ میلادی مشاهده نمود. در این بیانیه چنین آمده است: «کشورهای آسیای مرکزی می‌بایست راه‌های توسعه را براساس نیازها و منافع خود برگزینند. تعیین روش‌ها و مکانیسم‌های تضمین امنیت منطقه، حق و مسئولیتی است که صرفاً به کشورهای منطقه مربوط می‌شود». مفاد این بیانیه لحنی ضدآمریکایی داشت و بر این نکته تأکید نموده بود که اعضای این سازمان با هماهنگی یکدیگر، در جهت کاهش حضور ژئوپلیتیک آمریکا در آسیای مرکزی عمل خواهند کرد (Kazemi, 2007).

در واقع، پس از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی و پایان جهان دوقطبی، نظام بین‌الملل تحت تأثیر قدرت برتر ایالات متحده، به‌عنوان تنها ابرقدرت به‌جامانده از دوران جنگ سرد، قرار گرفت و تلاش‌های زیادی برای حاکمیت نظامی تک‌قطبی انجام شد. در چنین شرایطی، قدرت‌های بزرگ نظام بین‌الملل، از جمله روسیه و چین، کوشیدند با تقویت مناسبات دوجانبه و چندجانبه، مانع تحقق اهداف آمریکا در نظام بین‌الملل در جهت ایجاد نظام تک‌قطبی شوند. از این‌رو، به‌موازات ارتقای سطح روابط دوجانبه مسکو-پکن تا سطح مشارکت استراتژیک، رویکردهای چندجانبه نیز در دستورکار رهبران دو کشور قرار گرفت که یکی از بارزترین نمونه‌های آن، تشکیل و تقویت سازمان همکاری شانگهای است (Vaezi & Kozegar, 2012).

دیدگاه ایجاد موازنه در برابر هژمونی ایالات متحده آمریکا، مبتنی بر تفکر موازنه قدرت سیستمیک است. بر طبق این دیدگاه، روسیه و چین در چهارچوب سازمان همکاری شانگهای، سعی در ایجاد موازنه در برابر ایالات متحده آمریکا را دارند. به‌عبارت‌دیگر، روسیه و کشورهای آسیای مرکزی می‌خواهند با همراهی چین، موازنه قدرتی در برابر هژمونی ایالات متحده آمریکا در عرصه نظام بین‌الملل پسا‌جنگ سرد ایجاد کنند که این مهم در قالب سازمان همکاری شانگهای تداعی می‌یابد (Zhuangzhi, 2004). بررسی اهداف ژئوپلیتیک سیاست‌های دفاعی چین در زمینه به‌چالش‌کشاندن ضرورت‌های نظام تک‌قطبی مبتنی بر هژمونی ایالات متحده، ما را به این نکته رهنمون می‌سازد که چین در این راستا به گسترش همکاری‌ها

و گفت‌وگوهای چندجانبه در قالب سازمان همکاری شانگهای روی آورده است. به همین جهت، نقش ایالات متحده به‌عنوان عقبهٔ ایجاد سازمان همکاری شانگهای غیرقابل‌انکار است (Gleason & Shaihtudinov, 2005: 276).

پیشینهٔ تعاملات میان اعضای تأثیرگذار سازمان شانگهای (چین و روسیه) با ایالات متحدهٔ آمریکا، یک اتحاد طبیعی میان ایران، چین و روسیه با هدف ایجاد موازنه در برابر هژمونی ایالات متحدهٔ آمریکا در عرصهٔ نظام بین‌الملل را پررنگ می‌سازد. سازمان همکاری شانگهای بستر مناسبی جهت تبدیل این اتحاد طبیعی به یک اتحاد استراتژیک است. ایجاد موازنه در برابر یک‌جانبه‌گرایی‌های هژمونیک ایالات متحدهٔ آمریکا در چهارچوب این سازمان قابل‌رهگیری است. البته باید به این نکته توجه نمود که جمهوری اسلامی ایران با در نظر گرفتن چنین بستری، می‌تواند با عضویت دائم در این سازمان، هدف خود را بیش از پیش عملیاتی سازد؛ به‌ویژه که دو کشور چین و روسیه نیز دارای این احساس نوستالژیک ابرقدرتی در عرصهٔ نظام بین‌المللی اند. دستیابی به موازنه در برابر آمریکا در این چهارچوب، عمدتاً در قالب ایجاد موازنهٔ نرم^۱ معنا و مفهوم می‌یابد. هدف ایجاد موازنهٔ نرم را می‌توان خنثی کردن عملکرد دولت در حال رهبری، بدون مقابلهٔ مستقیم دانست. (Rezaee, 1390).

چین و روسیه به‌عنوان رهبران سازمان همکاری شانگهای، نظم تک‌قطبی به رهبری آمریکا را تهدیدی برای منافع خود می‌دانند و تلاش می‌کنند نظام بین‌الملل را به سمت چندقطبی بودن سوق دهند. از این رو، این دو کشور تلاش کرده‌اند تا با تقویت سازوکارهای منطقه‌ای، به موازات ایجاد انسجام داخلی، به تضعیف ایدهٔ نظم تک‌قطبی مدنظر ایالات متحده بپردازند (Rahdar & Aghaee, 2016).

موازنه‌دهندهٔ نرم سعی می‌کند با ایجاد شرایط سخت‌تر برای دولت در حال رهبری یا ائتلافش، از طریق افزایش هزینه‌های حفظ وضع موجود از طرق زیر اقدام نماید:

الف. عدم پذیرش سرزمینی؛ قدرت‌های برتر اغلب از دسترسی به سرزمین دیگر کشورها جهت اسکان نیروها و عبور و مرور نیروهای هوایی و دریایی‌شان سود می‌برند. رد دسترسی سرزمینی توسط سایر کشورها، موفقیت قدرت هژمون را در پیروزی کاهش می‌دهد.

ب. دیپلماسی گیر انداختن؛ حتی قدرت‌های برتر در سطح نظام بین‌الملل نیز نمی‌توانند قوانین و مقررات مهم سازمان‌های بین‌المللی را نادیده گرفته و به اهداف خود بدون اهمیت دادن به آن‌ها دست یابند. در همین راستا، دولت‌ها می‌توانند با استفاده از نهادهای بین‌المللی و سایر اقدامات دیپلماتیک، برتری قدرت هژمون را برای جنگ یا حمله کاهش داده و فرصتی برای آمادگی بیشتر به دولت هدف حمله بدهند. ج. تقویت قدرت اقتصادی؛ قدرت نظامی دولت‌هایی را تهدید می‌کند که اهدافی را در جهت ایجاد موازنه در برابر قدرت هژمون دنبال می‌کنند. قدرت عظیم اقتصادی می‌تواند پشتوانه خوبی باشد. در این راه، ایجاد بلوک‌های اقتصادی انحصاری بدون حضور قدرت هژمون و بالابردن رشد اقتصادی و تجاری بین اعضا، می‌تواند کارگر افتد. د. عزم راسخ برای موازنه؛ قدرت‌های درجه دوم می‌توانند با ایجاد پیمان‌های دسته‌جمعی در برابر قدرت هژمون که نیاز به همراهی سایر قدرت‌ها جهت جامعه عمل پوشیدن به برخی اهداف خود دارد، ایستادگی کنند. این مسئله سبب می‌گردد تا اعتماد این قدرت‌ها به توانایی ایجاد موازنه در برابر قدرت هژمون، افزایش یابد. همچنین موجب ترغیب سایر دولت‌ها در جهت پیوستن به ائتلاف می‌گردد (Pape, 2005).

پیامدهای ژئوپلیتیکی عضویت دائمی ایران در سازمان همکاری شانگهای

ایران به لحاظ ژئوپلیتیکی دارای سه امتیاز مهم است: اولاً، ایران متصل به موقعیت بری اوراسیاست؛ ثانیاً، به سبب دارا بودن سواحل طولانی در خلیج فارس و دریای عمان، از موقعیت بحری برخوردار است؛ ثالثاً، به لحاظ داشتن تنگه هرمز که در حدود یک سوم تجارت جهانی انرژی از آن صورت می‌گیرد، موقعیت ویژه‌ای دارد (Hosseini & Kooshki, 2017).

عضویت ایران در سازمان همکاری شانگهای به ارتقای نقش ژئوپلیتیک آن در منطقه و جهان می‌انجامد. اعضای سازمان همکاری شانگهای با برخورداری از ظرفیت‌ها و فرصت‌های وسیع همکاری‌های چندجانبه و همچنین موقعیت مهم ژئوپلیتیک و ژئواکونومیک، می‌توانند از طریق تشریک مساعی و هم‌اندیشی با یکدیگر، نویدبخش آینده‌ای روشن برای ملت‌های منطقه باشند (Jamshidi, 1397).

در نگاهی کلی به وضعیت انرژی در سازمان همکاری شانگهای، برجسته‌ترین نکته‌ای که جلب توجه می‌کند، وجود بزرگ‌ترین تولیدکنندگان انرژی در کنار

بزرگ‌ترین مصرف‌کنندگان انرژی جهان است که این امر، جنبه تکمیلی جالبی را هم پدید می‌آورد و در صورت تحقق ایده باشگاه انرژی، وضعیت متفاوت از سازمانی مانند اوپک خواهد داشت.

باشگاه انرژی سازمان همکاری شانگهای با حضور کشورهای چین، قزاقستان، قرقیزستان، روسیه، ترکیه، تاجیکستان، افغانستان، هند، ایران، مغولستان، پاکستان، روسیه سفید و سریلانکا، در سال ۲۰۱۳ تأسیس شد. هدف این باشگاه، گسترش گفت‌وگوها میان کشورهای عضو برای تأمین امنیت انرژی و به‌روزرسانی وبگاه‌های مربوط به بخش انرژی و امکان افزایش همکاری در زمینه انرژی است. کشورهای عضو این باشگاه، در کل ۳۶ درصد از تولید نیروی برق، ۲۳ درصد از تولید گاز طبیعی، ۲۰/۸ درصد از تولید نفت و ۶۰/۲۵ درصد از تولید زغال‌سنگ جهان را در اختیار دارند. ایران و روسیه بالاترین ظرفیت انرژی را دارند. ایران رتبه سوم ذخایر نفتی جهان و رتبه دوم گاز جهان را دارد، در کنار روسیه که دارای رتبه اول گاز و از کشورهای دارنده نفت است. کشورهای عضو سازمان بیش از ۲۷/۵ درصد از ذخایر نفت و حدود ۵۲/۵ درصد از ذخایر گاز جهان را در اختیار دارند (DeHaas, 2008). سازمان همکاری شانگهای، تولیدکنندگان و مصرف‌کنندگان را یک‌جا در خود جا داده است. بدین ترتیب که کشورهای روسیه، ایران، قزاقستان و ازبکستان، به‌عنوان عرضه‌کنندگان انرژی و کشورهای چین، تاجیکستان، قرقیزستان، پاکستان و هند، به‌عنوان مصرف‌کنندگان انرژی هستند که می‌توانند نقش تکمیل‌کننده‌ای را در بخش انرژی برای هم داشته باشند.

در حوزه جغرافیایی سازمان شانگهای، خطوط مختلف انتقال انرژی وجود دارد که در تأمین انرژی جهانی سهم مهمی دارند: خطلوله نفت قزاقستان و روسیه و بندر نوروسیسک، خطلوله نفت قزاقستان و چین، خطلوله نفت سیبری شرقی و اقیانوس آرام، خطلوله کنسرسیوم خزر، خطلوله گاز آسیای مرکزی و چین، خطلوله گاز تاپی، خطلوله گاز صلح، خطلوله گاز آسیای مرکزی، خطلوله ماورای افغانستان، خطلوله چین، خطلوله گاز ترکمنستان به چین و خطلوله گاز ازبکستان و چین (Rahman, 2011). برخی از خطوط لوله فوق‌الذکر برای ایران اهمیت حیاتی دارند و تکمیل و بهره‌برداری از آنان، به پررنگ‌شدن هرچه بیشتر نقش ژئوپلیتیکی ایران خواهد انجامید؛ برای مثال، «خطلوله صلح» که نام خطلوله گاز صادراتی ایران به هند

و پاکستان است. براساس تفاهم‌های انجام‌شده، ایران متعهد شده بود تا مدت ۲۵ سال، گاز خود را با قیمت توافقی به هند و پاکستان بفروشد. این مسیر اقتصادی‌ترین روش تأمین انرژی شبه‌قاره هند است. مذاکراتی پیرامون پیوستن ترکمنستان و قطر به ایران برای تأمین گاز طبیعی این پروژه بزرگ مطرح شده بود. به‌رغم جذابیت‌هایی که این طرح، نه‌تنها از جنبه تأمین انرژی برای شبه‌قاره هند دارد، بلکه به‌عنوان یک عامل کاهش تنش در روابط میان هند و پاکستان نیز به‌شمار می‌رود. هندوستان تحت فشارهای آمریکا اعلام کرد که از این طرح کناره‌گیری می‌کند.

این خط‌لوله که از سال ۲۰۰۲ آغاز شد، قرار بود در سال ۲۰۱۴ به بهره‌برداری برسد که با کناره‌کشیدن هند از این پروژه و تعلل پاکستان در ساخت خط‌لوله در داخل این کشور، نیمه‌کاره رها شده است. حال، عضویت دائم سه کشور ایران و هند و پاکستان در سازمان شانگهای، فرصت مناسبی است که با افزایش هم‌گرایی، نسبت به تکمیل و راه‌اندازی آن اقدام نمایند. این امر، علاوه بر آنکه هند و پاکستان را به انرژی ایران وابسته می‌سازد و دو مشتری دائمی برای انرژی ایران فراهم می‌آورد، به هم‌گرایی قطر با ایران نیز خواهد انجامید؛ چراکه قطر نیز برای فروش انرژی سرشار خود، خواهان دستیابی به بازار هند است.

حضور چهار کشور قدرتمند جهان در تولید و به‌کارگیری توان هسته‌ای، عملاً سازمان شانگهای را به یک باشگاه توانمند هسته‌ای تبدیل نموده است. این امر فرصت بی‌بدیلی را برای جمهوری اسلامی ایران فراهم می‌آورد تا ضمن سرعت‌بخشیدن به حل‌وفصل پرونده هسته‌ای خویش، در افزایش توان هسته‌ای خود در تعامل علمی و فناوری با سایر اعضا اهتمام ورزد.

ژئوپلیتیک آب، یکی دیگر از موارد بسیار حیاتی برای جمهوری اسلامی ایران است که باید از ظرفیت عضویت در سازمان شانگهای برای توفیق در آن استفاده کند. ایران به‌دنبال دست یافتن به منابع آبی بیشتر است و برخی مقامات ایرانی معتقدند تاجیکستان جایی است که می‌توان این منابع را به‌دست آورد. انتقال آب از دریاچه سارز تاجیکستان که نه‌تنها در منطقه‌ای بسیار فعال به‌لحاظ زمین‌شناسی قرار دارد، بلکه خود این دریاچه نتیجه وقوع یک زمین‌لرزه بزرگ است که ۱۰۰ سال پیش اتفاق افتاده است.

بررسی‌های انجام‌شده نشان می‌دهد که این خطلوله برای رسیدن از منطقه گورنو بدخشان در شرق تاجیکستان به خراسان، باید ۶۰۰ کیلومتر طول داشته باشد. دولت ایران آماده سرمایه‌گذاری ۳ میلیارد دلاری برای انتقال آب این دریاچه از طریق خطلوله به خراسان است. هر چند پیشنهاد اولیه این طرح پیگیری نشد، در سال ۲۰۰۷، رؤسای جمهوری دو کشور موافقت‌نامه‌ای را در زمینه صادرات آب از تاجیکستان به ایران به امضا رساندند. قرار بود تا آغاز سال ۲۰۱۳، تاجیکستان شروع به صادرات یک میلیارد مترمکعب آب به ایران کند، اما این طرح تاکنون عملی نشده است (Tasnim, ۱۳۹۳/۰۵/۱۸).

عضویت کامل ایران و تاجیکستان در سازمان همکاری شانگهای، فرصت مناسبی است تا پروژه راهبردی انتقال آب تاجیکستان به استان‌های شمالی ایران و به‌ویژه خراسان رضوی، در دستورکار دو کشور قرار گرفته و بخشی از هزینه‌های آن از سرمایه‌گذاری سایر اعضا، به‌ویژه چین، تأمین گردد.

یکی از مهم‌ترین چالش‌های ژئوپلیتیکی تأثیرگذار بر روابط سیاسی دو کشور ایران و افغانستان، مسئله رودخانه هیرمند و ورود آب آن به سمت ایران است. مسئله‌ای که می‌تواند هم خالق تنش و تهدیدات امنیتی مشترک و هم باعث ایجاد فرصت‌ها و همکاری‌های مشترک اقتصادی و سیاسی باشد. بررسی منطق ژئوپلیتیکی رفتار دو کشور ایران و افغانستان از منظر رویکردی تاریخی سیاسی طی ۱۲۰ سال گذشته، نشان می‌دهد که گرچه مسائل سرزمینی بین دو کشور تا حدود زیادی حل شده است، مسائل حساس مربوط به استفاده از آب هیرمند و حقوق احداث سد، به‌رغم حل رسمی این مسئله در معاهده ۱۳۵۱ میان دو کشور، دهه‌ها به‌خاطر عدم ثبات سیاسی در افغانستان مسکوت باقی مانده است. آنچه طی سال‌های اخیر در حوضه آبریز هیرمند رخ داده است، نامنظم شدن جریان ورودی رودخانه مرزی هیرمند یا حتی قطع جریان آب رودخانه به سمت ایران بوده است. امری که سبب تشدید خسارات ناشی از وقوع خشک‌سالی‌های دوره‌ای و استمرار کمبود آب شرب و مهاجرت تعدادی از مردم دشت سیستان به سایر نقاط گردیده است.

با شکل‌گیری دولتی متمرکز در افغانستان از سال ۲۰۰۱، طرفین طی سندی بر اجرای مفاد کلی معاهده ۱۳۵۱ و احیای کمیسیون‌های ناظر مشترک بر اجرای تعهدات مندرج در قرارداد مزبور تأکید کردند؛ اما در صحنه اجرا، در تمامی این

سال‌ها علاوه بر تأثیر مجموع عواملی همچون تغییرات اقلیمی و خشک‌سالی‌های دوره‌ای، اقدامات دولت افغانستان در بالادست جهت انحراف آب رودخانه هیرمند به دشت‌ها همچنان ثابت مانده است. تعصب شدید مردمان افغان در مورد ضرورت حفظ منابع آب به‌عنوان ثروت ملی و داخلی است و از هرگونه تلاش برای تعیین رژیم حقوقی برای استفاده از منابع آب مشترک با کشورهای همسایه اجتناب می‌نمایند (Mahmoudi, 1395: 2279).

با تسلط طالبان بر افغانستان در سال ۲۰۲۱، چالش آب ایران و افغانستان ابهام و پیچیدگی مضاعفی پیدا کرده است. عضویت دائم ایران در سازمان شانگهای، فرصتی را برای ایران پدید آورده تا با ایجاد اجماع منطقه‌ای، برای جلوگیری از بروز فاجعه زیست‌محیطی و انسانی در سیستان و هامون که به‌آرامی در جریان است، خشک‌شدن تالاب بین‌المللی هامون، بروز گردوغبار در شرق کشور و برخی از ولایات افغانستان و پاکستان، از میان رفتن کشاورزی و بروز پدیده مهاجرت، اقدامات مؤثری را به اجرا بگذارد. مجموعه عوامل فوق به افزایش وزن ژئوپلیتیکی ایران در منطقه خواهد انجامید و راهبرد ایالات متحده در مهار ایران به‌عنوان بازیگر محوری مخالف سیاست‌های آمریکا، با شکست مواجه خواهد شد.

پیامدهای سیاسی عضویت دائمی ایران در سازمان همکاری شانگهای

با توجه به روند افول هژمونی آمریکا و فرصت ساختاری ایجادشده در ساختار نظام بین‌الملل در سطح جهانی و منطقه‌ای (خاورمیانه)، ایران می‌تواند با عضویت کامل در سازمان شانگهای، ضمن تداوم مخالفت با آمریکا، به تضمین امنیت خود پرداخته و از انزوای بین‌المللی خود جلوگیری کند. همچنین جمهوری اسلامی ایران براساس منطق هم‌گرایی منطقه‌ای، می‌تواند با استفاده از این فرصت ساختاری و با توجه به درگیری آمریکا در خاورمیانه و مشکلات متعددی که با آن روبه‌روست، به‌دنبال تقویت نقش رهبری خود در معادلات منطقه برآید و به نوعی هژمون‌گرایی اقدام کند (Hajiyousefi&Alvand, 1387: 189).

ثبات و امنیت منطقه‌ای و افزایش قدرت چانه‌زنی ایران در پهنه جهانی و بین‌المللی نیز از دلایل غیراقتصادی ایران برای عضویت در سازمان همکاری شانگهای است که عمدتاً علیه تهدیدات منطقه‌ای آمریکا جهت‌گیری شده است. لذا نیاز ایران به حفظ

امنیت در مقابل تهدیدهای خارجی، پیوستن آن را به سازمان همکاری شانگهای توجیه می‌کند. اگرچه این امر مانع برخورداری ایران از امتیازات دیگر (منافع اقتصادی، سیاسی، تجاری و فرهنگی) از پیوستن به یک اتحاد منطقه‌ای نمی‌شود، این عضویت می‌تواند در نهایت ایران را با چین و روسیه متحد کند؛ سناریویی که از قدرت تهدید آمریکا علیه ایران می‌کاهد و در عین حال که ایران به سایه امنیتی روسیه و چین پناه می‌برد، منجر به کاهش قدرت آمریکا در خلیج فارس و آسیای مرکزی خواهد شد (Watson, 1385: 162).

سیاست‌گذاران جدید سیاست خارجی ایران معتقدند یکی از بهترین راه‌های مقابله با آمریکا «ایجاد اتحاد با کشورهای آسیایی» است؛ از این رو، به دنبال حضور فعال در سازمان همکاری شانگهای هستند که در تقابل آشکار با نظام جهانی تحت سلطه آمریکا قرار دارد (Hajiyousefi & Alvand, 1387: 18).

به گزارش ایسنا، دنیس راس،^۱ مشاور ویژه وزارت خارجه آمریکا در امور خاورمیانه و ایران در دوران ریاست جمهوری باراک اوباما، با انتشار پیامی در حساب کاربری خود در توئیتر،^۲ به عضویت ایران در سازمان همکاری شانگهای واکنش نشان داد. وی نوشت: «اکنون ایران عضو دائم سازمان شانگهای است؛ چیزی که از مدت‌ها پیش به دنبال آن بود. سرانجام روسیه و چین این امکان را فراهم کردند». دنیس راس در ادامه تأکید کرد که ایران با چرخش به سمت شرق، قادر خواهد بود از فشارهای ایالات متحده در امان بماند. دولت آمریکا اکنون به «طرح دوم»^۳ نیاز دارد (Isna, ۲۸ شهریور ۱۴۰۰).

در مجموع، همکاری فزاینده چین و روسیه و تمایل آن به مقابله با نفوذ آمریکا در آسیای مرکزی، ایران را به همکاری بیشتر در این سازمان ترغیب می‌کند. ایران به خوبی می‌داند دورنگه داشتن آمریکا از آسیای مرکزی و شکل‌گیری نظام بین‌الملل چندقطبی، از اهداف اصلی اعضای شانگهای، به ویژه چین و روسیه، است. شانگهای در حال تبدیل به قطب قدرت جدیدی است که در نظر دارد از شکل‌گیری سرکردگی جهانی آمریکا جلوگیری کند.

قربان محیط امنیتی ایران با محیط امنیتی همسایگان شرقی و شمالی و وجود دغدغه‌های مشترک پیرامون تهدیدات ناشی از تروریسم، افراط‌گرایی

1. Dennis Ross
2. twitter
3. Plan B

مذهبی، جدایی طلبی و تولید و تجارت مواد مخدر، بستر فراخی را برای توسعه تعاملات امنیتی در زیر چتر سازمان همکاری شانگهای فرا روی اعضا می‌گستراند که استفاده از فرصت‌های آن، ضمن بالابردن ضریب امنیت کل منطقه، کمک شایانی به تأمین منافع و امنیت ملی یکایک دول عضو خواهد کرد (Saeedi&Ghafouri, 1389: 103).

در یک کلام، موارد ذیل را می‌توان به‌عنوان پیامدهای سیاسی عضویت جمهوری اسلامی ایران در سازمان شانگهای برشمرد: ایران با همکاری چین و روسیه، در برخی موارد می‌تواند از تنش‌های میان این کشورها و ایالات متحده آمریکا به نفع خود بهره برداری کند؛ تقویت روند منطقه‌گرایی در نظام بین‌الملل و احتمال تأثیرگذاری آن بر سیاست‌گذاری‌های کلان بین‌المللی؛ گسترش روحیه اعتماد، حسن نیت، همکاری، ثبات و تثبیت و تقویت چهره دوستانه و مثبت کشورمان در تعاملات منطقه‌ای؛ ایجاد زمینه‌ای مناسب جهت شکل‌گیری ائتلاف سازنده برای رویارویی با تحریم‌ها و موانع دستیابی به فناوری صلح‌آمیز هسته‌ای.

پیامدهای اقتصادی عضویت دائمی ایران در سازمان همکاری شانگهای

تهران معتقد است که قابلیت‌ها و نقش روبه‌رشد سازمان همکاری شانگهای در حل و فصل مشکلات منطقه‌ای و امنیت جهانی، برجسته است. در بُعد اقتصادی نیز مجموعه کشورهای عضو، با داشتن منابع عظیم طبیعی و ظرفیت انسانی، می‌توانند نقش بسیار مؤثری را در مدیریت اقتصادی دنیا بر عهده بگیرند (Koolaei, 2005: 118).

به‌طور کلی، پیامدهای اقتصادی عضویت در سازمان همکاری شانگهای برای ایران، از این قرار است: حفظ و گسترش بازار مصرفی بزرگ و بادوام برای نفت و صادرات غیرنفتی؛ بهره‌گیری از توان و قدرت اقتصادی و ظرفیت‌های چین؛ ایجاد روبه‌ای برای مبادله آزاد کالا و دستیابی به توافقاتی در زمینه اعطای امتیازات و معافیت‌های مربوط به تعرفه‌های گمرکی؛ دسترسی به بازاری حدود ۲ میلیارد نفری و بهره‌مندی از منافع اقتصادی آن؛ رفع برخی نیازمندی‌های فناوری کشور با توجه به عضویت چین و روسیه؛ توسعه گردشگری و تبادل هیئت‌های بازرگانی. علاوه بر این، عضویت الحاق کامل به سازمان همکاری شانگهای، می‌تواند پلنفرمی را برای مناسبات تجاری و اقتصادی در اختیار تهران قرار دهد که برای

دورزدن رژیم تحریم‌های غرب و آمریکا علیه آن بسیار مفید خواهد بود. بسیاری از تحلیلگران سیاسی داخلی ایران اعتقاد دارند که عضویت دائم در سازمان همکاری شانگهای می‌تواند درهای تجارت با دولت‌های عضو این سازمان را باز کند و تأثیر تحریم‌ها را بر این کشور کاهش دهد (Akbarzadeh, 2016).

مهم‌ترین مانعی که بر سر راه سازمان در زمینه همکاری‌های اقتصادی وجود دارد، این است که اختلاف و تفاوت فاحش میان اعضا به لحاظ توانمندی‌های اقتصادی، امکان همکاری‌های برابر و متقابل را از آنان سلب می‌نماید. کشورهای ضعیفی مانند قرقیزستان، تاجیکستان و مغولستان، دستاورد قابل توجهی برای عرضه به دیگران در اختیار ندارند؛ درحالی‌که چین با کشورهایمانند آمریکا، ژاپن و کشورهای اروپایی، در زمینه مسائل تجاری رقابت می‌کند. برای این نابرابری فاحش اقتصادی میان اعضا، لازم است چاره‌ای اندیشیده شود (Mansouri, 1394).

یکی از مهم‌ترین اهداف ایران از عضویت دائم در سازمان شانگهای، آزاد شدن مراودات بانکی و اقتصادی است؛ به دلیل تحریم‌های آمریکا، کشورهای عضو سازمان شانگهای از جمله کشورهایی هستند که پول نفت خریداری شده از ما را پرداخت نکرده‌اند و اکنون باید دید پیوستن ایران به سازمان شانگهای، باعث استرداد پول‌های بلوکه شده به ایران خواهد شد یا خیر. باید دید چین و روسیه تا چه حد می‌توانند در قبال ایران، خارج از نظم بین‌الملل رفتار کنند. آیا این دو کشور حاضر خواهند شد تحریم‌های ایران را کنار بزنند و بدون اینکه ایران اف‌ای تی اف^۱ را بپذیرد یا مذاکرات برجام^۲ به نتیجه برسد، با ایران مبادلات اقتصادی داشته باشند یا خیر. هرچند ایران با عضویت در سازمان شانگهای، توان چانه‌زنی بالاتری پیدا کرده است، باید مشکلات خود را با نظام بین‌الملل نیز حل کند؛ وگرنه نمی‌تواند از مزایای عضویت در سازمان شانگهای استفاده کند (Eslami, 1400).

اگر عضویت دائم ایران در سازمان شانگهای با رفع یا کاهش تحریم‌ها همراه شود و سرمایه بلوکه شده ایران در کشورهای جهان و به ویژه اعضای سازمان شانگهای، آزاد شود، جمهوری اسلامی گام بلندی را در دستیابی به قدرت بی‌بدیل منطقه‌ای برداشته است.

1. FATF
2. Joint Comprehensive Plan of Action

پیامدهای نظامی عضویت دائمی ایران در سازمان همکاری شانگهای

آمریکا پس از فروپاشی شوروی و در پی عدم حضور یک قدرت رقیب هم‌سطح، به یک‌جانبه‌گرایی روی آورده و از آن به هر نحوی برای تأمین منافع خود بهره می‌گیرد. این عامل نیاز به نوعی وزنه تعادل در مقابل تنها ابرقدرت یک‌جانبه‌گرا را افزایش داده است. سازمان شانگهای در حالی که نشان می‌دهد علاقه‌ای به ایجاد چنین وزنه‌ای ندارد، اما در عمل تلاش می‌کند تا حد ممکن، نفوذ ایالات متحده را محدود نماید و از عمق آن در محیط داخلی و پیرامونی بکاهد. در منشور سازمان شانگهای آمده است: «اعضا باید تمام تلاش خود را در جهت گسترش امنیت جهانی بر مکانیسم تصمیم‌گیری جمعی و دموکراتیزه کردن روابط بین‌الملل متمرکز نمایند».^۱ (Kazemi, 1385).

از آنجاکه ناتو به‌عنوان پیمانی امنیتی نظامی و با کارکرد و نقش نظامی است و سازمان همکاری شانگهای نیز متمرکز بر تجارت و اقتصاد است، مقایسه آن‌ها با هم می‌تواند گمراه‌کننده باشد (Gallo, 2017). روسیه تمایل مشترکی با چین در تداوم خروج نیروهای آمریکایی و ناتو از منطقه دارد؛ اگرچه براساس اصول سازمان همکاری شانگهای، این سازمان علیه دولت‌های ثالث یا متحدان اقدام نمی‌کند. در سال‌های ۲۰۱۲-۲۰۱۳ در سایه تیرگی روابط روسیه و آمریکا، پکن و مسکو تقویت همکاری‌های پُرظرفیتی را به معرض نمایش گذاشتند؛ به طوری که شی جینگ‌پینگ، نخستین سفر خود را در مقام ریاست جمهوری چین، به مسکو انجام داد و مانور نظامی بزرگ مشترک میان روسیه و چین برگزار شد. این مسئله عکس‌العمل آمریکا را برانگیخت.

هم روسیه و هم چین، در جنگ با تروریسم و جدایی‌طلبی به سر می‌برند. روسیه همواره تمایل دارد که مسائل امنیتی و جنگ علیه تروریسم در اولویت اول سازمان شانگهای باشد. همچنین این کشور از همکاری شانگهای با دیگر سازمان‌ها حمایت کرده است؛ برای مثال، روسیه پیشنهاد برقراری فعالیت‌ها و همکاری‌های مشترک میان سازمان شانگهای و سازمان پیمان امنیت جمعی^۱ را در سال ۲۰۰۷ ارائه نمود (Oldberg, 2007).

در پایان اجلاس سران کشورهای عضو شانگهای در ژوئن ۲۰۰۵ میلادی، در

1. Collective Security Treaty Organization

آستانه (پایتخت قزاقستان)، اعضای این سازمان در بیانیه نهایی خود از آمریکا خواستند به دلیل کاهش منازعات در افغانستان، جدول زمانی خروج نیروهایش از پایگاه‌های نظامی خود در کشورهای عضو شانگهای را تنظیم و ارائه کند. در همین راستا، وزیر خارجه ازبکستان در پایان اجلاس مذکور اعلام کرد: «پایگاه هوایی آمریکا در خان‌آباد، نباید در جهت اهداف دیگری غیر از حمایت از عملیات جنگی آمریکا در افغانستان مورد استفاده قرار بگیرد». وزیر دفاع روسیه نیز پیش‌تر در همین جهت اظهار داشته بود که «روسیه حضور پایگاه‌های نظامی ناتو در ازبکستان و قرقیزستان را صرفاً برای مدت زمان لازم به منظور جنگ با تروریسم در افغانستان می‌پذیرد و نه برای زمانی بیشتر». به دنبال این موضع‌گیری‌ها، قرقیزستان نیز تصمیم گرفت تا مبلغ اجاره پایگاه نظامی «ماناس»^۱ را برای آمریکایی‌ها از دو میلیون دلار در سال به دویست میلیون دلار در سال افزایش دهد (Ranjesh, 1397).

حضور ایالات متحده آمریکا در مناطق پیرامونی ایران و روسیه، می‌تواند موضعی یکسان را برای هر دو کشور به وجود آورد. اگرچه شدت و ضعف مواضع هر یک از دو کشور نسبت به آمریکا متفاوت است و هر یک رویکردی خاص به ایالات متحده دارند، در نقطه‌ای مشخص، می‌توان اشتراک منافع هر دو کشور را مشاهده نمود و آن هم تعارض با آمریکا بر سر تعیین حوزه نفوذ است. بی‌شک، هر دو کشور خواستار جلوگیری از ایجاد و تثبیت هژمونی آمریکا در منطقه‌اند و حضور ارکان آمریکایی می‌تواند از این منظر نوعی تهدید به حساب آید (Athari&fayyazi, 1392).

ایالات متحده بیش از ۹۰ میلیون دلار برای امنیت مرزی در آسیای مرکزی سرمایه‌گذاری کرده و بیش از ۲۰۰ فعالیت آموزشی و آموزش بیش از ۲۶۰۰ افسر مرزی را انجام داده است (Bureau of South and Central Asian Affairs, 2020). رویارویی مستقیم ایران و آمریکا در عرصه نظامی در سنوات اخیر، حاکی از دست برتر جمهوری اسلامی است؛ زیرا در پی ترور فرمانده نیروی قدس سپاه که با فرمان مستقیم رئیس‌جمهور ایالات متحده آمریکا صورت گرفت، ایران واکنش سریع و کوبنده‌ای نشان داد و با تهاجم موشکی به پایگاه نظامیان آمریکایی در عین‌الاسد، تمام‌قد در برابر سلطه نظامی آمریکا در منطقه ایستاد و عدم پاسخ آمریکا به این

حمله، به‌رغم رجزخوانی‌های مسئولان ایالات متحده، از ناتوانی راهبردی آمریکا در منطقه حکایت داشت.

خروج نظامیان آمریکا از عراق، پس از قریب به دو دهه اشغال و درحالی‌که امروزه دولت حاکم بر عراق هم‌سو با سیاست‌های جمهوری اسلامی ایران است و پیدایش حشدالشعبی به‌عنوان نیروی مردمی قدرتمند که از آزمون مقابله با داعش سربلند بیرون آمده و عملاً نسخه‌ی عراقی سپاه قدس ایران محسوب می‌شود و مهره‌ی بسیار تأثیرگذار جمهوری اسلامی ایران در توازن نظامی با آمریکا است، شاهدی بر این مدعا است که ایالات متحده در عرصه‌ی نظامی، نبرد را ایران واگذار نموده است. این شرایط چین و روسیه را تشویق نموده تا با پذیرش عضویت کامل ایران در سازمان شانگهای، از دست برتر ایران در تقابل نظامی علیه آمریکا، برای خروج از سایه‌ی ایالات متحده در آسیای مرکزی و خاورمیانه استفاده نمایند.

از آنجا که ناتو نیز از سیاست چرخش به شرق آمریکا، به‌عنوان بستری برای افزایش حضور خود در شرق آسیا استقبال می‌کند، لذا پیمان شانگهای ترجیح می‌دهد در خلیج فارس با ناتو مقابله نماید؛ چراکه این منطقه علاوه بر اینکه حائز اهمیت ژئوپلیتیک است، دارای بازیگر نامتقارن قدرتمندی به نام جمهوری اسلامی ایران است که در زمره‌ی رقبای استراتژیک آمریکا و ناتو است (Kordikolak, 1400).

نتیجه

جمهوری اسلامی ایران از بدو پیروزی انقلاب اسلامی در تعارض ماهوی، ایدئولوژیکی و سیاسی با ایالات متحده آمریکا قرار گرفت. آمریکا که ظهور بازیگری نامتقارن و مخالف با سیاست‌های یک‌جانبه‌گرایی خود را در منطقه‌ی فوق‌استراتژیک خاورمیانه برنمی‌تافت، از تمامی ابزارهای موجود برای مهار و انقیاد ایران استفاده نمود. تحریم‌های شدید اقتصادی، نظامی، پولی و بانکی و حتی مواد غذایی و دارو، به‌طور مداوم از سوی دولتمردان ایالات متحده بر مردم ایران تحمیل شده است. در چنین شرایطی، جمهوری اسلامی برای ایستادگی در برابر هژمونی یک‌جانبه‌گرایی غرب، راهبردهای مختلفی را در بوتۀ آزمایش نهاد که در ابعاد مختلف، توفیقات قابل توجهی را در پی داشته است. یکی از این راهبردها، ائتلاف با قدرتهای بزرگ منطقه‌ای و بین‌المللی برای ایجاد توازن قوا در برابر سلطه‌ی آمریکا است.

سازمان همکاری شانگهای با حضور دو عضو دارای حق و تو در شورای امنیت، یعنی چین و روسیه، و با در اختیار داشتن یک چهارم وسعت جهان، یک سوم جمعیت جهان و منابع نفت و گاز سرشار در ایران و روسیه و اقتصاد برتر چین و هند، حضور چهار قدرت هسته‌ای روسیه، چین، هند و پاکستان و تمایل اعضای این سازمان به ایجاد موازنه نرم با یک‌جانبه‌گرایی آمریکا، گزینه مناسبی برای جمهوری اسلامی ایران است تا با ائتلاف با آن، به موازنه‌جویی با آمریکا پردازد.

سران جمهوری اسلامی از دو دهه قبل در پی پیوستن به این سازمان بودند و در سال ۲۰۰۵، موفق شدند تا جایگاه عضو ناظر را به دست آورند. اما مسیر دستیابی به عضویت کامل، برای ایران بسیار ناهموار و دشوار می‌نمود. مخالفت برخی از اعضا و تحریم‌های منعقدشده علیه ایران، مانعی جدی بر سر راه عضویت دائمی ایران بود. سرانجام این امر در تاریخ ۱۷ سپتامبر ۲۰۲۱ و در پایان اجلاس بیست و یکم که در دوشنبه (پایتخت تاجیکستان) برگزار شد، محقق گردید و با رأی تمام اعضا، ایران رسماً به عضویت اصلی این سازمان درآمد.

یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد که ایران با عضویت کامل در سازمان همکاری شانگهای، می‌تواند از انزوای سیاسی ناشی از تحریم‌های ظالمانه غرب برون‌جسته و به ارتباط آزادتر با جهان و به‌ویژه جهان شرق پردازد. تأثیرات ژئوپلیتیکی، سیاسی، اقتصادی و نظامی عضویت دائمی ایران در سازمان همکاری شانگهای، در برقراری موازنه با آمریکا بسیار راهگشاست. این امر منوط به کارآمدی دستگاه دیپلماسی جمهوری اسلامی است؛ زیرا تنها عضویت در این پیمان برای جهش روابط دیپلماسی کشور کافی نیست و برای ایجاد فرصت‌های بزرگ پیشرفت، لازم است که با هریک از کشورهای عضو نیز روابط دوجانبه قوی برقرار نماید. قرارداد راهبردی ۲۵ ساله ایران و چین، قرارداد ۲۰ ساله ایران و روسیه و تلاش ایران برای حضور فعال در اتحادیه اقتصادی اوراسیا^۱ برای گسترش همین راهبرد است.

ایران باید بتواند علاوه بر سیاست شرق‌گرایی، با به‌نتیجه‌رساندن برجام و افای‌تی‌اف، مشکلات خود را با نظام بین‌الملل نیز حل کند؛ ضمن آنکه اتکا بر ظرفیت‌های درونی، موقعیت ممتاز ژئوپلیتیکی، منابع سرشار زیرزمینی و جمعیت

جوان، شرط اصلی پیشرفت و آبادانی ایران است که بارها مورد تأکید رهبری جمهوری اسلامی ایران قرار گرفته است. ارتباطات سازنده با همسایگان و اعتمادسازی، شرط دوم برای خروج از دشواری‌های فعلی است. این امیدواری وجود دارد تا ایران بتواند در کوتاه‌مدت، بخشی از سرمایه‌های خود را که در کشورهای عضو شانگهای بلوکه شده‌اند، آزاد نماید و این امر نیز به خروج سریع‌تر ایران از شرایط دشوار فعلی کمک شایانی خواهد کرد.

References

1. Aghaie, D. & Rahdar, H. (2016), “The Role of the Shanghai Cooperation Organization in Establishing a Balance-of-Power Order in Central Asia”, Central Eurasian Studies, central Eurasia studies [In Persian].
2. Akbarzadeh, Shahram (2016). “Iran and the Shanghai Cooperation Organization: Ideology and Realpolitik in Iranian Foreign Policy”, Australian journal of international affairs: <https://www.tandfonline.com/doi/abs/10.1080/10357718.2014.934195>
3. (Bureau of South and Central Asian Affairs, 2020).
4. Anvari, Hamidreza & Rahmanimovahhed, Morteza, 2009, Shanghai Cooperation Organization; A vision for a multipolar world, Tehran, Publishing Center of the Ministry of Foreign Affairs [In Persian].
5. Athari, Seyyedasadollah & Fayyazi, Abdonnaser (2013), The Impact of the United States of America on the Convergence and Divergence of the Islamic Republic of Iran and the Russian Federation, Central Asia and Caucasus Quarterly, Issue 8 [In Persian].
6. Ezzati, Ezatullah and Yazdanpanah Droo, Kiomars (2007), “Analysis of the Geopolitics of the Shanghai Economic and Security Treaty, with Emphasis on the Perspective of Iran’s Membership in the Organization”, Geopolitical Quarterly, Third Year, No. 3. [In Persian].
7. Gleason, Gregory & Shaihutdinov, Marat E. (2005). “Collective Security and Non-state Actors in Eurasia”, International Studies Perspectives, Vol 6(2).
8. Hatami, Abbas (2013), “Comparative typology of distributive and redistributive regimes: Towards a functional approach”, Politics Quarterly, No. 25.
9. Isna, Dennis Ross’s reaction to Iran’s membership in the Shanghai

- Organization(2022) <https://www.isna.ir/news/1400062820376/>.**[In Persian]**.
10. Jamshidi, Habibollah.et.al.(2018), Investigating the Consequences of Iran's Membership in the Central Asian Regional System, with Emphasis on the SCO, Quarterly Journal of New Attitudes in Human Geography, Year 11, Issue 1. [In Persian].
 11. Kazemi, M. (2005), "Shanghai Cooperation Organization (The Increasing Geostrategic Importance in Contrary to Unilateralism)". Quarterly Journal of Central Asia and the Caucasus, Fifteenth, 4(55) [In Persian].
 12. Kazemi, Massoud (2006), "Shanghai Cooperation Organization; Geostrategic Significance, Quarterly Journal of Central Asia and the Caucasus, No. 54. [In Persian].
 13. Kegley, Charles W., Wittkopf, Eugene R. (2005), *World Politics: Trends and Transformation* (10th ed).
 14. Koolaei, Elaheh (2005), "NATO and Central Asia Security", Middle East Studies Quarterly, No 3 [In Persian].
 15. Gallo, Ernesto (2017), "SCO not NATO's foe", Available at: <https://www.eastasiaforum.org/2017/09/24/sco-not-natos-foe/>, 24 September.
 16. Kooshki, MohammadSadegh and Hoseini, Seyyed Mahmood (2017), "The opportunities and challenges of Iran's membership in the Shanghai Cooperation Organization", Political Quarterly, Volume 47, No3.
 17. Kumar, S.Y.Surendra (2013), "India and the Shanghai Cooperation Organization: Issues and Concerns", International Journal of China Studies, 4(3).
 18. Mahmoudi, Mehdi (2016), "Hydropolitical Challenges of Iran and

- Afghanistan and its Impact on the Sustainability of Water Resources in Sistan Region”, 9th Congress of the Geopolitical Association of Iran, Zahedan University. [In Persian].
19. Mansouri, Milad (2015), “Iran and the Shanghai Cooperation Organization, after Borjam”, the Second International Conference on Humanities, Psychology and Social Sciences, Istanbul, Turkey. [In Persian].
 20. Musafa, Nasrin and Delavar, Hossein (2016), “Iran’s membership in the Shanghai Cooperation Organization; A Factor in the Soft Balance in Relations with the United States “, Research Policy Quarterly, Volume 3, Number 4. [In Persian].
 21. Oldberg, I. (2007), “The Shanghai Cooperation Organization: Powerhouse or Paper tiger?”, Defense Analysis, FOI-R-2301-SE, Swedish Defense Agency.
 22. Rahman, Khalid (2011), “Central Asia, Energy Security and Shanghai Cooperation Organization”, Policy Perspectives, Vol. 8, No. 1.
 23. Ranjkesh, Mohammad Javad (2018), “Application of Falker Rittberger’s theory in the process of formation of international organizations; Case Study of the Shanghai Cooperation Organization, Journal of Political Geographic Research, Year 3, Issue 2. [In Persian].
 24. Rezaei, Alireza and Salehi, Abbas (2010), “Shanghai Cooperation Organization and Permanent Membership of the Islamic Republic of Iran”, Quarterly Journal of Political Studies, Third Year. [In Persian].
 25. Rezaei, Alireza (2011), “Membership in the Shanghai Cooperation Organization and the National Interests of the Islamic Republic of Iran”, presented at the Second International Conference on New Developments in Iran and the World (virtual). [In Persian].

26. Sazmand, Bahareh et al. (2010), “Waltz Power Balance Theory: A Critique of Its Efficiency in the Present Age”, Foreign Relations Quarterly, Second Year, No. 4. [In Persian].
27. Vaezi, M. (2010), “Objectives and interests of China and Russia in the Shanghai Cooperation Organization”, Central Asian and Caucasus Studies Quarterly, 3(72) [In Persian].
28. Waltz, Kenneth N (1979), “Theory of International Politics”, McGraw-Hill Publishing Company.
29. Zhuangzhi, Sun (2004), “New and old regionalism: The SCO and Sino-Central Asian relations”, The Review of International Affairs, Vol. 3(4).
30. Haji Yousefi, Amir Mohammad and Alvand, Marzieh Sadat (2008), “Iran and the Shanghai Cooperation Organization; Hegemony and Anti-Hegemony “, Journal of Political Science, Third Year, No. 2. [In Persian].
31. Watson, Greg (2006), Shanghai Cooperation Organization; Security in Iran in the 21st Century “, translated by Fatemeh Soltani, Central Asia and Caucasus Studies, Fifteenth Year, No. 55. [In Persian].